ویـژه زمستـان ۱۳۹۳ - سـال سوم - شماره ۱۵ / شمـاره تماس: ۷۷۷۰۳۳۸۸ / ۷۳۱۲-۰۲۱

SHAHROKHI INDUSTRIAL GROUP (since: 1950) Email: info@shahrokhimfg.com

غیر قابـل فروش

یه روز یـــه ترکـــه بود...

ادامه در صفحه ۳

پیام تبریک مدیر عامل گروه صنعتی شاهرخی

با خوبی ها و بدی ها و هرآنچه که بود؛ برگی دیگر از دفتر روزگار ورق خورد، برگ دیگری از درخت زمان بر زمین افتاد و سالی دیگر را پشت سر گذاشتیم.

اگر چه غرق در روزمرگی خودمان باعث شد یادمان برود که عشق تنها دلیل زندگی است اما خدا را شکر که نوروز هر سال این فکر را به یادمان می آورد... پس بیائیم آنچه که لازمه تبلور آن است را یک بار دیگر با هم مرور کنیم: یادم باشد که دیگران را دوست بدارم آن گونه که هستند، نه آن گونه که می خواهم باشند.

ادامه در صفحه ۲

کاین آمـــدن و رفتنـم از بهر چه بـــود...

روزی در مجلس ختمی، مرد متین و موقری که در کنارم نشسته بود و قطره اشکی هم در چشم داشت، آهسته به من گفت:...

ادامه در صفحه ۹

بازم اومـــدم غمهـا رو بردم عید و براتون مژده آوردم عید سنت حاجی فیروزی داره رسم و عادت نوروزی داره

شخصیت و پیشینه حاجی فیروز به عنوان طلایه دار و پیام آور نوروزی قدمتی برابر و حتی بیشتر از فرهنگ و تمدن ایران زمین دارد. ریشه و خاستگاه این پدیده فرهنگی را همانا در باورها و اعتقادات توده مردم می توان جست و جو کرد. از آنجا که فرهنگ، نخستین گستره ای است که آفرینندگانش نامی از خود بر جای نگذاشته و تاریخی روشن ندارد، حضور متداوم یک نماد فرهنگی، چون حاجی فیروز و...

ادامه در صفحه ۴

دیگران را ببخش بخاطر...

وقتـی می‌شود فاصلـه گـرفـت بیـهـوده نمی‌جنگم! چرا باید بیهوده جنگیـد برای چیزهـایی کـه مطمئنـی نمی‌توانی تغییرشان بدهی؟ ...

ادامه در صفحه ۱۲

معرفی محصول

دریچه های خطی متحـرک:
دریچـه های خطـی متحرک دمپـردار و بـدون دمپـر جهت کاربـریهای منـاسب در صنعت تهـویه مطبوع به منظور نصب در سقف طراحی شده اند.
نمـای جالـب خطـی ایـن دریچـه ها در معمـاریهای پیوسته و...

ادامه در صفحه ۱۰

اصالت ذاتی بهتر است یا تربیت خانوادگی؟

در تاریخ آمده است، برسم قدیم روزی شاه عباس کبیر در اصفهان بخدمت عالم زمانه "شیخ بهائی" رسید پس از سلام و احوال پرسی از شیخ پرسید:
در برخورد با افراد اجتماع " اصالت ذاتیِ آنها بهتر است یا تربیت خانوادگی شان" ؟...

ادامه در صفحه ۵

نتایـج جـدید دربـاره فـرار سـه زندانی از آلکاتراز

۵۲ سال قبـل سـه زندانی توانستند با یـک قایق از زنـدان بـدنام آلکاتراز در جنـوب غـربی آمریکا فرار کننـد و بعـد هم جستجوی پلیس هم به هیچ جا نرسید و...

ادامه در صفحه ۱۳

اخبار پـــروژه ها

ادامه در صفحه ۶

در هر شرایط سختی باید از خود پرسید: آیا من قسمتی از مشکل هستم، یا قسمتی از راه‌حل مشکل؟

با خوبی ها و بدی ها و هرآنچه که بود؛ برگی دیگر از دفتر روزگار ورق خورد، برگ دیگری از درخت زمان بر زمین افتاد و سالی دیگر را پشت سر گذاشتیم.
اگر چه غرق در روزمرگی خودمان باعث شد یادمان برود که عشق تنها دلیل زندگی است اما خدا را شکر که نوروز هر سال این فکر را به یادمان می آورد.
پس بیائیم آنچه که لازمه تبلور آن است را یک بار دیگر با هم مرور کنیم:
یادم باشد که دیگران را دوست بدارم آن گونه که هستند، نه آن گونه که می خواهم باشند.
یادم باشد که هرگز خود را از دریچه نگاه دیگران ننگرم.
یادم باشد که هیچ وقت شخصی را نا امید نکنم که شاید امید تنها دارایی اش باشد.
یادم باشد که من اگر خود با خویشتن آشتی نکنم هیچ شخصی نمی تواند مرا با خود آشتی دهد.
یادم باشد که خودم با خودم مهربان باشم.
چرا که شخصی که با خود مهربان نیست نمی تواند با دیگران مهربان باشد.
یادم باشد که زیبایی های کوچک را دوست بدارم حتی اگر در میان زشتی های بزرگ باشند.
پس بیائید دلهای پر مهرمان را به روزهای سبز و زیبای بهار پیوند بزنیم و شادي را براي يكديگر به ارمغان بياوريم.
عمری با حسرت و اندوه زیستن نه برای خود فایده ای دارد و نه برای دیگران باید اوج گرفت تا بتوانیم آن چه آموخته ایم را با دیگران نیز قسمت کنیم.
لحظات از آن توست؛ رنگها از آن توست، آبی، سبز، سرخ، سیاه، سفید،... رنگهایی را که بایسته است را انتخاب کن و با آنها نقش خود را بزن، مهم نقش توست نه رنگها ...

شاهرخ شاهرخی
مدیر عامل گروه صنعتی شاهرخی

روزهایتان رنگارنگ سال نویتان مبارک

یه روز یه ترکـــــــــه بود...

مطمئن هستم کسانی که این جمله را در صفحه اول خواندند به دو دسته تقسیم می شوند!
دسته اول هموطن های آذری هستند که حس ششم اشان به رگ غیرتشان پیغام می فرستد که آماده باش که به دلیل شوخی به نژاد و زبان مادری ات بخروشی! دسته دوم هم هموطن های غیر آذری هستند که شب عیدی خود را به این صفحه می رسانند تا شاید انبساط خاطری فراهم آید و لبخندی بر لب نشانند.
اما باید بگویم که شرمنده ام! چون این ترک ما یا بهتر بگم ترکهای ما جز افتخار نامشان برده نمی شود.
یه روز یه ترکـــه که اسمش **ستارخان** بود و به (سردار ملی) مشهور بود با یک ترک دیگه که اسمش **باقرخان** بود و به (سالار ملی) مشهور بود جونشون رو کف دستشون گذاشتن و شدند سرباز راه مشروطیت و آزادی و خودشونو به تهران رسوندند و " مندلی شاه " مستبد و مجبور کردند که به سفارت مام میهنش! یعنی روسیه تزاری پناه ببره. (البته این روسیه رو نمیگم ها ! اون روسیه رو میگم ! اینا که بابا مثل ماه می مونن !!!)
یه روز یه ترکـــه که اتفاقا لهجه خیلی غلیظ ترکیش تو امریکا هم دست از سرش برنداشته بود! سپر حرارتی ماه نشین آپولو ۱۱ رو طراحی میکنه تا نخستین انسان هایی که پا بر ماه گذاشتند در بازگشت به جو زمین خاکستر نشن. البته ماه نشین های بعدی هم از این سپر استفاده کردند، اون ترکه همون **دکتر اعتمادی** دانشمند برجسته ایرانی در ناسا بوده.
یه روز یه ترکـــه برای اولین بار زبان اشاره ائی برای تمام کرو لال های ایران درست میکنه و اولین مدرسه را برای لال ها و کرهای ایران تاسیس می کنه اسمش **باغچه بان** بود.
یه روز یه ترکـــه برای اولین بار با کوشش و تلاش میشه یکی از ریاضی دانان مشهور در جهان، اسمش **پروفسور محسن هشترودی** بود.
یه روز یه ترکـــه لباسهاشو تو سرمای آذربایجان، آتش زد تا قطاری با مسافرهاش سالم بمونن اسمش **ریزعلی خواجویه.**
یه روز یه ترکـــه میره جبهه، بعد از یه مدت فرمانده میشه، یه روز بهش میگن داداشت (حمید) شهید شده افتاده سمت عراقی ها اجازه بده بریم بیاریمش. ترکه میگه: "لازم نیست، بگذارید بماند. هر وقت رفتیم جنازه بقیّه را بیاوریم، جنازه حمید را هم می‌آوریم، یا همه با هم یا هیچ کس". اون ترکـــه تا زنده بود جنگید و در آخر هم به برادر های شهیدش ملحق شد. اسمش **مهدی باکری** بود.
خوب میدونم که الان خوانندگان آذری بادی به غبغب انداختن! و مقاله را با دیده تحسین نگاه می کنن.
برای اینکه سوء تفاهم نشه باید عرض کنم بنده آذری نیستم! البته دوستان آذری زیاد دارم، خیلی از جکهای دست اول ترکی هم اول از اونا می شنوم. من این آذری هائی که نام بردم و تمام آذری های هم میهنم رو دوست دارم اما نه بخاطر اینکه آذری هستند که اگر اینگونه بود باید آذری های کشور ترکیه و آذربایجان هم دوست داشته باشم. حقیقتش اینه که من فقط یک وجه مشترک با آذریهای خودمون دارم! و به خاطر همان به خودم افتخار می کنم و می بالم. اونم اینه که با اونها هموطنم و همه ایرانی هستیم!!
اما من هموطن های دیگه ائی هم از اقصی نقاط کشورم می شناسم که اتفاقا هم افتخارات زیادی کسب کرده اند و هم جوک های زیادی از هم نژاد هایشان شنیدم.
یه روز یه رشتیه با گویش کاملا رشتی مدتی رئیس دانشگاه ملی ایران (بهشتی) شد، بعد رفت و دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) را تاسیس کرد ولی عشقی عجیب به تربیت فرزندان ایران دلیل همیشگی اون برای حضورش در دبیرستان البرز بود، اون رشتیه نخستین دکتر ریاضی ایرانه اسمش **دکتر محمدعلی مجتهدی گیلانی** بود.
یه روز یه رشتیه بود که با دست خالی اولین گروه پارتیزانی در جنگهای نامنظم را تاسیس کرد و تنها نیروی مقاومت در ایران در زمان اشغال آن در جنگ جهانی بود. اسمش لرزه بر اندام اجنبی می انداخت و دوست و دشمن ازش به نیکی یاد می کنند. اسمش **میرزا کوچک خان جنگلی** بود.
یه روز یه لره بود بخاطر ساده زیستی و نیک سیرتی و عدالت پروری نشان وکیل الرعایا را از مردم ایران به سینه زد اسمش **کریم خان زند** بود.
یه روز یه قزوینیه دست از تلاش شبانه روزی بر نداشت و نتیجه اش شد کامل ترین لغت نامه فارسی اسمش **علی اکبر دهخدا** بود.
یه روز یه اصفهانیه بود که هیچ پیشینه ائی از دروس نظامی نداشت ولی به عشق این مملکت شد یکی از فرماندهان ممتاز جهان که بعثی ها وقتی شهیدش کردند برنامه های رادیو و تلویزیون قطع کردند تا این خبر و اعلام کنند و در خبرهاشون اعلام کردند که از امروز دیگه نتیجه جنگ تغییر می کنه! اسمش **حسین خرازی** بود.
و یه روز یه ترکه و یه روز یه رشتیه و یه روز یه قزوینیه و یه روز یه لره و ...
و از روزی که ایران زمین بوده و تا روزی که باشد، ایرانی هائی بودند که دست در دست هم ایران را حفظ کردند و ایستادند و ایستاده مردند ولی ایرانی بودنشان را با افتخار فریاد زدند. در خیلی از کشورهائی که سابقه باستانی دارند، گروهی از اقوام سوژه جوکها می شوند. از هندوستان بگیر تا سوریه. نمی دانم اگر من هم جای یکی از این هموطنان بودم، صدای اعتراضم بلند می شد یا خیر؟ ولی خوب می دانم که علت دل چرکینی بعضی از اقوام نقش اول جوک بودن نیست، بلکه مشکل این است که ما اصولا شور همه چیز را بیش از اندازه در میاریم و این شاید ریشه در فرهنگ مان دارد که اندکی به خود وصله های نژاد پرستی گرفته، زیرا در اولین برخورد با هر غریبه ائی می پرسیم: شما اهل کجائی !؟ ... و با اندکی مرور خاطرات مشابه، حتما رد پائی از بی انصافی در قضاوت راجع به آن شخص بسبب نژادش پیدا خواهیم کرد.
پس بیائیم برای شروع سعی کنیم از این سوال " شما اهل کجائی ؟ " اجتناب کنیم و چنانچه هموطنی به اشتباه از ما این سوال را پرسید، سینه را به جلو دهیم و با صدائی رسا که شاید وی را از خواب غفلت بیدار کند پاسخ دهیم:

من ایرانیـــــــم!

نویسنده : شاهرخ شاهرخی

بازم اومـــدم غمهـا رو بردم عید و براتون مژده آوردم
عید سنت حاجی فیروزی داره رسم و عادت نوروزی داره

شخصیت و پیشینه حاجی فیروز به عنوان طلایه دار و پیام آور نوروزی قدمتی برابر و حتی بیشتر از فرهنگ و تمدن ایران زمین دارد. ریشه و خاستگاه این پدیده فرهنگی را همانا در باورها و اعتقادات توده مردم می توان جست و جو کرد. از آنجا که فرهنگ، نخستین گستره ای است که آفرینندگانش نامی از خود بر جای نگذاشته و تاریخی روشن ندارد، حضور متداوم یک نماد فرهنگی، چون حاجی فیروز و جاری بودن آن در روزگار معاصر، بازتاب روشنی است از اندیشه ها، عواطف و سنت های جامعه ای که با پیروی از روش شفاهی از راه زبان، اشاره، حرکت و نمایش، آن را فرد به فرد و نسل به نسل به دیگران منتقل و در بستر تاریخ، آن باورها را با هنجارهای اجتماعی دیگر منطبق می سازد از این رو شخصیت حاجی فیروز را می توان برآیند یک اندیشه یا تخیل جمعی دانست که در مسیر تاریخی خود از سرزمینی به سرزمین دیگر کوچ کرده و روایتی مختلف ولی با هسته ای یکسان، پدید آورده است.

اندیشه ایرانی، نوروز را آغاز زندگی می داند. به اعتقاد پارسیان، نوروز، اول روز از زمانه و فلک را آغاز گشتن است و شروع هر پدیده مهمی را بدین روز منسوب می دارد.

نوروز جشنی است مربوط به پیش آمدن آریایی ها به این سرزمین و بسیاری آن را قدیمی ترین جشن تحویل سال در تمامی جهان می دانند. ساکنان بین النهرین حداقل دو تا سه هزارسال از ورود آریایی ها نیز این جشن را در ایران برگزار می کرده اند و به احتمال زیاد با آیین ازدواج مقدس مرتبط است. اکنون تصور می شود که الهه بزرگ، یعنی الهه مادر، شاه را برای شاهی انتخاب و با او ازدواج می کند. این الهه را ننه خاتون نام می نهند و معادل بابلی و ایرانی آن ایشتر و آناهیتا است. تا آنجا که می دانیم این الهه، خدای جنگ، آفرینندگی و باروری است. آناهیتا یا ایشتر که در بین النهرین است عاشق دوموزی یا تموز می شود. نام دوموزی در کتاب مقدس تموز آمده است. پس از آنکه ایشتر که الهه زمین است، دوموزی، الهه ایزد گیاه، را برمیگزیند، یک روز به زیر زمین میرود و با ورود الهه به زیر زمین، در روی زمین باروری متوقف می شود. در افسانه ها دلیلی برای رفتن ایشتر به زیر زمین مطرح نشده است غیر از این که او می تواند الهه سرزمین زیرین زمین نیز باشد. با رفتن الهه به زیر زمین دوموزی در اندوه غرق می شود و نه دیگر درختی سبز می شود و نه دیگر گیاهی هست. خدایان که از ایستایی جهان ناراحت بوده اند، برای پیدا کردن راه حل گرد هم می آیند و قراری می گذارند که سرنوشت طبیعت را تغییر می دهد. از آن پس به جای ایشتر، نیمی از سال را دوموزی به زیر زمین برود و نیم دیگر سال را خواهر دوموزی که گشتی ننه نام دارد به جای برادر به زیر زمین برود و الهه ایشتر روی زمین باقی بماند. وقتی دوموزی به روی زمین می آید، بهار می شود و زمین سبز می شود و روز نو برای طبیعت و آدمیان آغاز می شود. طبق این افسانه ها رسم نوروز از این آیین سر چشمه گرفته است. آن گاه که دوموزی را به زیرزمین می فرستند، لباسی سرخ بر تن وی می کنند و دایره، تنبک، ساز و نی لبک به او می دهند. صورت سیاه وی مربوط به بازگشت از دنیای مردگان است و این شادمانی ها برای بازگشت دوموزی از زیر زمین است. این افسانه از ریشه سومری نوروز استخراج شده است. قصه ای که امروز تبدیل به قصه حاجی فیروز و عمو نوروز شده است.

وزارت راه و شهرسازی
مرکز تحقیقات راه ، مسکن و شهرسازی
انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران
انجمن دارندگان نشان استاندارد ایران
IECS. انجمن بهینه سازی مصرف انرژی ایران

اصالت ذاتی بهتر است یا تربیت خانوادگی؟

در تاریخ آمده است، برسم قدیم روزی شاه عباس کبیر در اصفهان بخدمت عالم زمانه "شیخ بهائی" رسید پس از سلام و احوال پرسی ازشیخ پرسید:

در برخورد با افراد اجتماع " اصالت ذاتیِ آنها بهتر است یا تربیت خانوادگی شان" ؟

شیخ گفت: هرچه نظر شما باشد همانست ولی به نظر من "اصالت" ارجح است.

و شاه بر خلاف او گفت: شک نکنید که "تربیت" مهم تر است!

بحث میان آن دو بالا گرفت و هیچ یک نتوانستند یکدیگر را قانع کنند بناچار شاه برای اثبات حقانیت خود او را به کاخ دعوت کرد تا حرفش را به کرسی نشاند.
فردای آن روز هنگام غروب شیخ به کاخ رسید بعد از تشریفات اولیه وقت شام فرا رسید سفره ای بلند پهن کردند ولی چون چراغ و برقی نبود مهمانخانه سخت تاریک بود در این لحظه پادشاه دستی به کف زد و با اشاره او چهار گربه شمع به دست حاضر شدند و آنجا را روشن کردند.
درهنگام شام، شاه دستی پشت شیخ زد و گفت دیدی گفتم "تربیت " از "اصالت " مهمتر است ما این گربه های نا اهل را اهل و رام کردیم که این نتیجه اهمیت "تربیت" است.

شیخ در عین اینکه هاج و واج مانده بود گفت من فقط به یک شرط حرف شما را می پذیرم و آن اینکه فردا هم گربه ها مثل امروز چنین کنند.
شاه که از حرف شیخ سخت تعجب کرده بود گفت: این چه حرفیست فردا هم مثل امروز و امروز هم مثل دیروز!!! کار آنها اکتسابی است که با تربیت و ممارست و تمرین زیاد انجام می شود.
ولی شیخ دست بردار نبود که نبود تا جایی که شاه عباس را مجبور کرد تا این کار را فردا تکرار کند.
لذا شیخ فکورانه به خانه رفت. او وقتی از کاخ برگشت بی درنگ دست بکار شد، چهار جوراب برداشت و چهار موش در آن نهاد و فردا او باز طبق قرار قبلی به کاخ رفت.
تشریفات همان و سفره همان و گربه های آموزش دیده هم وارد اتاق شدند و می خواستند که شمع ها را روشن کنند.

شاه که مغرورانه تکرار مراسم دیروز را تاکیدی بر صحت حرفهایش می دید زیر لب برای شیخ رجز میخواند که در این زمان شیخ موشها را رها کرد.
در آن هنگام، هنگامه ای به پا شد، گربه ها وظیفه ائی که مدتها با تمرین و تکرار آموزش دیده بودند را فراموش کرده و هریک بدون توجه به اطراف خود به ذات اولیه خود برگشتند و در سر تا سر اتاق به تعقیب موشها دویدند، سفره غذا را به هم ریختند و ظروف و غذاهای درون آنها به اطراف پخش شد و بلوائی شد.
و این بار شیخ دستی بر پشت شاه زد و گفت: شهریارا! یادت باشد اصالت گربه موش گرفتن است گرچه "تربیت" هم بسیار مهم است ولی "اصالت" مهم تر است.
یادت باشد با "تربیت" می توان گربه اهلی را آموزش داد، ولی هرگاه گربه موش را دید به اصل و "اصالت" خود بر می گردد.

تهیه و تنظیم : شاهرخ شاهرخی

اخبار پروژه ها

دیوان محاسبات شیراز
(پرده هوا و انواع دریچه های تنظیم هوا)

شرکت صنعتی بازرگانی صحت
(انواع دریچه های تنظیم هوا)

بانک تجارت شیراز
(انواع دریچه های تنظیم هوا)

پلی کلینیک ماهشهر
(انواع دریچه های تنظیم هوا و دریچه های دسترسی)

بیمارستان امام خمینی اردبیل
(انواع دریچه، لوور و دمپرهای کانالی)

داروسازی عماد درمان پارس
(انواع دریچه، لوور و دمپرهای کانالی)

هایپر سنتر خزر
(دریچه های لاینیر و دمپر)

دانشگاه آزاد شاهرود
(انواع دریچه های تنظیم هوا)

پتروشیمی جم
(هود آشپزخانه صنعتی)

شرکت پالایش نفت لاوان
(انواع دمپرهای تنظیم دبی با فشار بالا با
استاندارد جی ال آلمان)

کارخانه شاهرخی
SHAHROKHI
HAEL Co.
air curtain
Aryaland

شرکت مدیریت برق کرمان
(انواع دمپرهای موتوری)

دانشگاه پیام نوربابل
(انواع دریچه های تنظیم هوا و جت نازل)

شرکت شهردارو
(انواع دریچه های دسترسی و فن کوئل)

آشپزخانه صنعتی صبا
(انواع دریچه و دمپرهای تنظیم هوا)

ساختمان مرکزی بانک گردشگری
(انواع دریچه های تنظیم هوا)

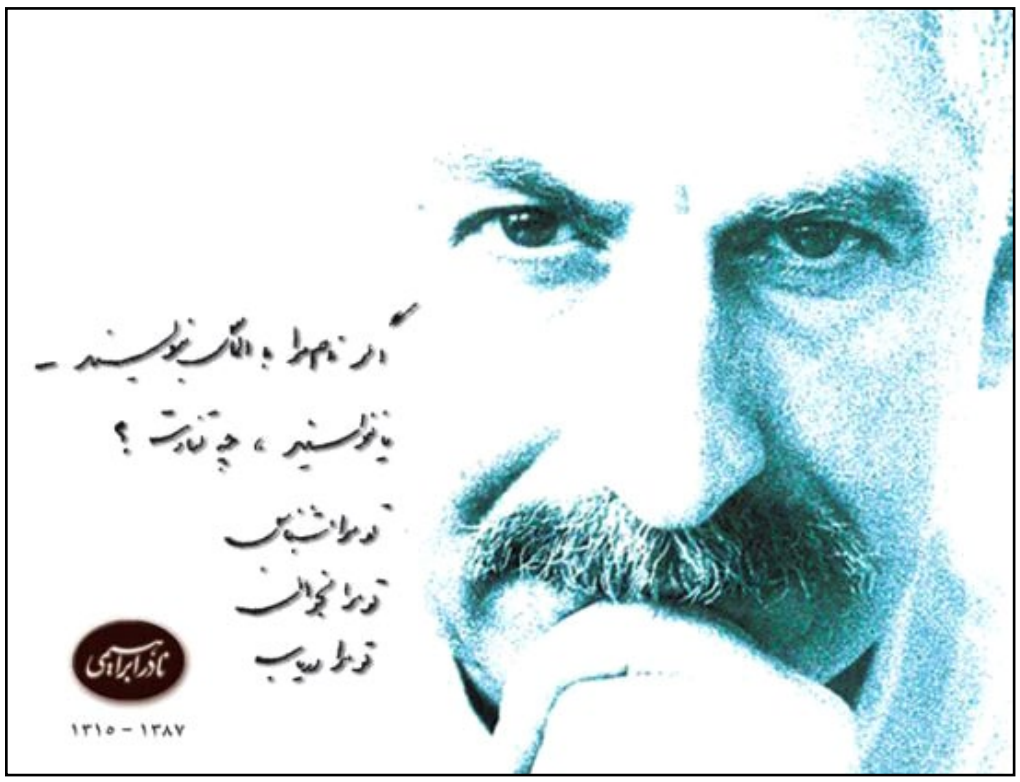

کاین آمـــــدن و رفتنـــم از بهر چه بود....

روزی در مجلس ختمی، مرد متین و موقری که در کنارم نشسته بود و قطره اشکی هم در چشـم داشت، آهسته به من گفـت: آیا آن مرحـوم را از نزدیـک می شناختید؟

گفتم: خیر قربان! خویشِ دور بنده بوده و به اصرار خانواده آمده ام، تا متقابلا، در روز ختم من، خویشان خویش، به اصرار خانواده بیایند.

حرفم را نشنید، چرا که می خواست حرفش را بزند. پس گفت...: بله... خدا رحمتش کند! چه خوب آمد و چه خوب رفت. آزارش به یک مورچه هم نرسید. زخمی هم به هیچکس نزد. حرف تندی هم به هیچکس نگفت. اسباب رنجش خاطر هیچکس را فراهم نیاورد. هیچکس از او هیچ گله و شکایتی نداشت. دوست و دشمن از او راضی بودند و به او احترام می گذاشتند... حقیقتا چه خوب آمد و چه خوب رفت.

گفتم: این، به راستی که بیشرمانه زیستن است و بیشرمانه مردن.

با این صفات خالی از صفت که جنابعالی برای ایشان برشمردید، نمی آمد و نمی رفت خیلی آسوده تر بود، چرا که هفتاد سال به ناحق و به حرام، نان کسانی را خورد که به خاطر حقیقت می جنگند و زخم می زنند و می سوزانند و می سوزند و می رنجانند و رنج می کشند... و این بیچاره ها که با دشمن، دشمنی می کنند و با دوست دوستی، دائما گرسنه اند و تشنه، چرا که آب و نان شان را همین کسانی خورده اند و می خورند که زندگی را "بیشرمانه مردن" تعریف می کنند.

آخر آدمی که در طول هفتاد سال عمر، آزارش به یک مدیر کلّ دزد منحرف، به آدم بدکار هرزه، به یک چاقو کش باج بگیر محله هم نرسیده، چه جور جانوری است؟ آدمی که در طول هفتاد سال، حتی یک شکنجه گر را از خود نرنجانده و توی گوش یک خبرچین خودفروش نزده است، با چنگ و دنـدان به جنـگ یک ربـاخـوار کـلاه بردار نرفته، پسِ گردن یک گران فروش متقلب نزده، و تفی بزرگ به صورت یک سیاستمدار خودباخته ی وابسته به اجنبی نینداخته، با کدام تعریفِ آدمیت و انسانیت تطبیق می کند و به چه درد این دنیا می خورد؟

آقای محترم! ما نیامده ایم که بود و نبودمان هیچ تاثیری بر جامعـه و بر تاریخ، بر زندگـــی و بر آینده نداشته باشد. ما آمـــده ایم که با دشمنان آزادی دشمنی کنیم و برنجانیم شان و همدوش مردان با ایمان تفنگ برداریم و سنگر بسازیم و همپای آدمهای عاشق، به خاطر اصالت و صداقت عشق بجنگیم.

ما آمده ایم که با حضورمان، جهان را دگرگون کنیم، نیامده ایم تا پس از مرگمان بگویند: از کرم خاکی هم بی آزارتر بود و از گاو مظلومتر، ما باید وجودمان و نفس کشیدنمان، و راه رفتنمان، و نگاه کردنمان، و لبخند زدنمان هم مانند تیغ به چشم و گلوی بدکاران و ستمگران برود.

ما نیامده ایم فقط به خاطر آنکه همچون گوسفندی زندگی کرده باشیم که پس از مرگمان، گرگ و چوپان و سگ گله، هر سه ستایشمان کنند.

گمان می کنم که آن آقا خیلی وقت بود که از کنارم رفته بود، و شاید من هم، فقط در دل خویش سخن می گفتم تا مبادا یکی از خویشاوندان خوب را چنان برنجانم که در مجلس ختمم حضور به هم نرساند.

نویسنـده: زنده یاد نادر ابراهیمی

تهیه و تنظیم : شاهرخ شاهرخی

معرفی محصول

دریچه های خطی متحرک:

دریچه های خطی متحرک دمپردار و بدون دمپر جهت کاربریهای مناسب در صنعت تهویه مطبوع به منظور نصب در سقف طراحی شده اند.

نمای جالب خطی این دریچه ها در معماریهای پیوسته و دکوراسیون داخلی نظیر آمفی تئاترها، سالن های کنفرانس، بانکها، هتلها و غیره مورد توجه قرار گرفته است.

از دیگر مزایای این دریچه ها وزن کم، سهولت نصب و سرعت بالای اجرا می باشد. این دریچه ها جهت هوای رفت، برگشت وتخلیه استفاده می شوند.

این دریچه ها از یک الی هشت ردیف و حداکثر تا طول ۳ متر ساخته می شوند. برای طول های بیشتر و اتصال چند دریچه به یکدیگر از قطعاتی خاص(تسمه های همسوکننده) استفاده می شود. همچنین این قابلیت وجود دارد که در قسمتهای انتهایی راست، چپ یا پشت دریچه توسط درپوشهایی مخصوص مسیر عبور هوا را مسدود نمود. انتخاب نوع درپوش به محل نصب دریچه ها بستگی دارد.

این امکان وجود دارد که در کنج ها با هر زاویه دلخواهی به کمک قطعات پیش ساخته دریچه ها را به یکدیگر متصل نمود.

پره های متحرک و قابل تنظیم این نوع دریچه خطی، توزیع هوا را به صورت لایه های افقی و عمودی امکان پذیر می سازند. دمپرهای این نوع دریچه ها به صورت کشویی جهت تنظیم میزان دبی جریان هوا و یا در صورت نیاز قطع کامل جریان هوا مورد استفاده قرار می گیرند.

به منظور تجمع مناسب هوا در پشت دریچه ها از جعبه های پلنوم استفاده می شود و بدین ترتیب توزیع هوا در طول دریچه ها به صورت پیوسته و یکنواخت انجام می گیرد. این جعبه های پلنوم را می توان با عایقهای حرارتی یا صوتی مجهز نمود.

قاب و پره ها از پروفیل آلومینیوم کششی به ضخامت ۱.۲۵ میلیمتر با روکش آنادایز شده آلومینیوم با کیفیت مناسب تهیه می شوند. جعبه های پلنوم از ورق آهن گالوانیزه به ضخامت ۰.۷ میلیمتر ساخته می شوند.

این امکان وجود دارد که رنگ آمیزی نهایی به روش پاشش رنگ مایع یا پودری (الکترواستاتیک) با استفاده از پلی استر سفید یا هر رنگ دیگری با شماره رال مشخص با توجه به نیاز انجام شود.

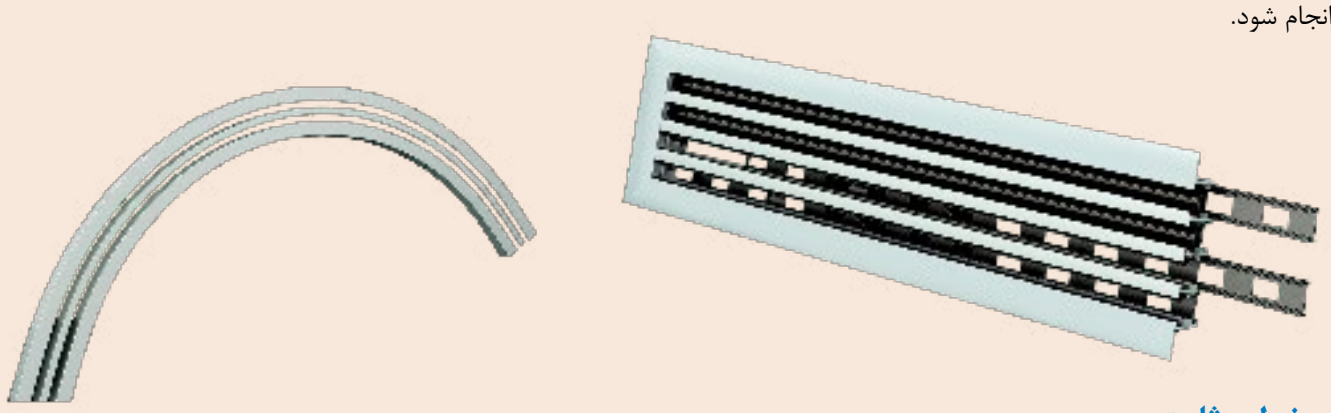

دریچه های خطی ثابت:

دریچه های خطی ثابت دمپردار و بدون دمپر شاهرخی جهت کاربریهای مناسب در صنعت تهویه مطبوع به منظور نصب در دیوار، سقف و کف طراحی شده اند.

شکل خطی این نوع دریچه ها در نماسازیهای معماری زیبایی خاصی را ایجاد می کنند مانند آمفی تأترها، سالن های ورزش، استخرهای شنا و غیره. این دریچه ها جهت هوای رفت، برگشت و تخلیه استفاده می شوند.

این دریچه ها حداکثر تا طول ۵ متر ساخته می شوند و همچنین می توان آنها را در کنج ها با هر زاویه دلخواهی به کمک قطعات پیش ساخته به یکدیگر متصل نمود. پره های تنظیم هوا که به صورت موازی با سطح مقطع مناسب جهت عبور هوا کنار هم قرار گرفته اند، این امکان را بوجود می آورند که جریان هوا را به صورت یکنواخت همراه با آرامش و افت فشار کم عبور نماید.

چند نوع قاب بنا به درخواست در دسترس می باشند. انتخاب نوع قاب به محل نصب دریچه ها بستگی دارد.
پره ها درضخامتهای مختلف و قاب ها با ضخامت ۱.۲۵ میلیمتر از پروفیل آلومینیوم کششی با روکش آنادایز شده آلومینیوم با کیفیت مناسب تهیه می شوند.
این امکان وجود دارد که رنگ آمیزی نهایی به روش پاشش رنگ مایع یا پودری (الکترواستاتیک) با استفاده از پلی استر سفید یا هر رنگ دیگری با شماره رال مشخص با توجه به نیاز انجام شود.

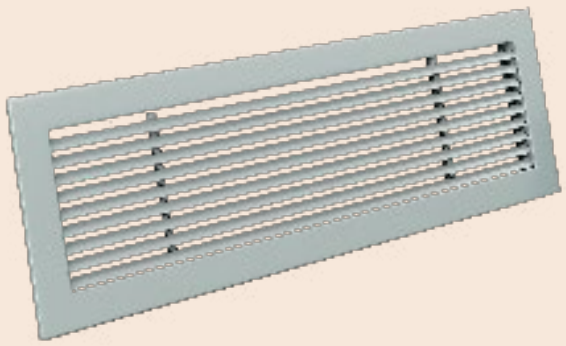

دمپر دریچه های خطی ثابت:

دمپر دریچه های خطی ثابت به منظور تنظیم میزان دبی جریان هوا یا درصورت نیاز جهت قطع کامل جریان هوا مورد استفاده قرار می گیرند.
تیغه های این نوع دمپرها در دو نوع موازی، ۷و۸ ساخته می شوند. اهرمهایی که جهت تنظیم تیغه های موازی استفاده می شوند در سه نوع کشویی، سوییچی و کلیدی قابل ساخت می باشند. این امکان وجود دارد که این اهرمها را به یک کلید الکتریکی یا یک سیستم کنترل از راه دور در مکانهایی که یک دیوار بلند یا کانال روکار غیر قابل دسترس مانند سالن های امفی تأتر، سینما و غیره وجود دارد متصل نمود.
همچنین می توان مقدار دمای محیط را به میزان دلخواه توسط یک ترموستات الکتریکی که در مسیر فرمان قرار می گیرد تنظیم نمود.
در نوع ۷و۸ انتقال حرکت توسط دوران یک پیچ مخصوص صورت می گیرد.
در نوع کشویی اهرم در وسط دمپر قرار گرفته که نوع انتقال حرکت آن افقی می باشد.
در نوع سوییچی اهرم در کنج قرار گرفته که نوع انتقال حرکت آن دورانی می باشد.
در نوع کلیدی اهرم روی قاب دریچه قرار گرفته که نوع انتقال حرکت آن عمودی است.
نوع کلیدی ۷و۸ از پروفیل آلومینیوم کششی به ضخامت ۱.۲۵ میلیمتر با روکش آنادایز شده آلومینیوم با کیفیت مناسب تهیه می شوند.
انواع کشویی و سوییچی از ورق آلومینیوم به ضخامت 0.7 میلیمتر تهیه می شوند. همچنین می توان از ورق آهن گالوانیزه به ضخامت ۰.۷ میلیمتر جهت انواع کشویی، سوییچی، ۷و۸ استفاده کرد.
این امکان وجود دارد که رنگ آمیزی نهایی به روش پاشش رنگ مایع یا پودری(الکترواستاتیک) با استفاده از پلی استر سفید یا هر رنگ دیگری با شماره رال مشخص باتوجه به درخواست انجام شود.

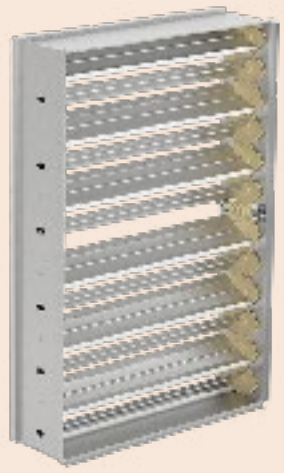

دیگـــــران را ببخش به خاطـــر ...

وقتی می‌شود فاصله گرفت بیهوده نمی‌جنگم! چرا باید بیهوده جنگید برای چیزهایی که مطمئنی نمی‌توانی تغییرشان بدهی؟ برای آدم‌هایی که سخت به باورهای خودشان چسبیده‌اند و زمانی که از خودت، از تفکرت می‌گویی با پوزخندی نگاهت می‌کنند...

وقتی می شود دقایق عمرت را با آدم‌های خوب بگذرانی چرا باید لحظه‌هایت را صرف آدم‌هایی کنی که یا دل‌های کوچک‌شان مدام درگیر حسادت‌ها و کینه‌ورزی‌های بچه‌گانه‌اند.....

یا مدام برای نبودنت... برای خط زدنت تلاش می‌کنند؟

وقتی می‌شود به این آدم‌ها خندید و از کنارشان گذشت چرا بایستم و ثانیه‌های عمرم را صرف جنگیدن با بی‌ارزش‌ترین فکرها کنم؟!

نه... همیشه جنگیدن خوب نیست!

من همیشه جنگیده‌ام تا شاید بتوانم چیزی را عوض کنم...

همیشه جنگیده‌ام برای چیزهایی که پیش وجدان خودم سربلند باشم!

اما این روزها خوب فهمیده‌ام که با آدم‌های کوته‌نظر... آدم‌های حسود... نباید جنگید!

این روزها فهمیده‌ام برای اثبات دوست داشتن نباید جنگید!

برای به‌دست آوردن دل آدم ها نباید جنگید!

برای اصلاح دل کسی که کینه‌ورزی می‌کند نباید جنگید!

برای اثبات خوب بودن حتی نباید جنگید!

بعضی چیزها وقتی با جنگیدن به دست می‌آیند بی‌ارزش می‌شوند!

.....

این روزها نسخه فاصله گرفتن را می پیچم برای هر کسی که رنجم می دهد!

برای هر کسی که با حسادت های بچه گانه اش آرامشم را به هم می ریزد!

.....

از آدم هایی که زیاد دروغ می گویند فاصله می گیرم !

از آدم هایی که زیاد ظلم می کنند فاصله می گیرم!

از آدم هایی که حرمت دل دیگران را نگه نمی دارند فاصله می گیرم..

.....

با حقارت بعضی دل ها، نباید جنگید، باید نادیده شان گرفت و گذشت...

.....

این را مدام با خودم تکرار می‌کنم و می‌گذرم از کنار آدم‌هایی که دست دادن‌های گرم‌شان، هرگز حسادت چشم‌های‌شان را از یادم نمی‌برد.

می‌بخشمشان نه به خاطر این که مستحق بخششند ... نه

تنها به این خاطر که من مستحق آرامشم!

نویسنـــده: ناشنـــاس

تهیه و تنظیم : شاهرخ شاهرخی

نتایج جدید درباره فرار سه زندانی از آلکاتراز

52 سال قبل سه زندانی توانستند با یک قایق از زندان بدنام آلکاتراز در جنوب غربی آمریکا فرار کنند و بعد هم جستجوی پلیس هم به هیچ جا نرسید و اثری هم از مرده یا زنده این سه نفر هیچ وقت پیدا نشد. فیلمی هم با بازی کلینت ایستوود از این ماجرا ساخته شد. حالا بعد از نیم قرن، پژوهش‌ها نشان داده است که اگر این سه سارق بانک برای این فرار تاریخی سر ساعت به‌خصوصی قایقشان را به آب انداخته باشند از این ماجرا جان سالم به در برده و زنده مانده‌اند.

شبکه اسکای‌نیوز حتی عکس آن موقع این سه زندانی را همراه با قیافه احتمالی آنها بعد از گذشت ۵۲ سال منتشر کرده. پژوهشگران هلندی با استفاده از نرم‌افزار شبیه‌سازی کامپیوتری و اطلاعات مربوط به زمان جزر و مد آب در تاریخ فرار این سه زندانی به این نتیجه رسیدند که اگر قایق حامل این فراری‌ها ساعت ۱۱ و نیم شب آلکاتراز را ترک کرده باشد به احتمال زیاد توانسته‌اند خودشان را به تنگه گلدن گیت، حد فاصل خلیج سانفرانسیسکو و اقیانوس آرام برسانند و از مهلکه جان سالم به در بردند.

نمائی از جزیره

گزارشگران تخمین می‌زنند که در صورت تحقق این سناریو، آب باید قطعات باقی مانده از قایق آنها را به جزیره آنجل در خلیج سانفرانسیسکو برده باشد و این دقیقاً همان اتفاقی است که ۵۲ سال قبل افتاد و یکی از پاروها همراه لوازم شخصی این سه نفر در کناره جزیره آنجل پیدا شد.

از طرف دیگر بر اساس این تحقیق اگر زندانی‌ها قبل از ساعت ۱۱ و نیم شب به آب زده باشند امواج آب آنها را به دریا برده و هیچ شانسی برای زنده ماندن نداشتند. دانشمندان هلندی در حال بررسی تاثیر بالا آمدن سطح آب دریا در خلیج سانفرانسیسکو بودند که متوجه شدند این موضوع می‌تواند تا حدی گره از یکی از مرموزترین ماجراها در آمریکا باز کند.

نقشه فرار سه زندانی

سه زندانی جنجال برانگیز با نام‌های " فرانک موریس" ، "جان آنجلین" و " کلارنس آنجلین" که دو نفر آخر با هم برادر بودند ۵۲ سال قبل با اجرای نقشه حیرت‌آوری از زندان مخوف آلکاتراز فرار کردند.

شیوه ی فرار آن ها به نظر باورنکردنی می آید. آن ها از بارانی زندانی ها برای خود کرجی ساختند تا بتوانند با آن خود را به ساحل برسانند.

البته فرانک موریس، جان و کلارنس آنجلین ابتدا به مدت یک هفته مشغول کندن دیوار بتونی سلول شان بودند. از طریق هواکش ها به سقف ساختمان رسیدند و از آن جا توانستند از محوطه زندان خارج شوند. برای این که نگهبانان از فرارشان مطلع نشوند ماکتی شبیه سرشان درست کردند و آن را در تختخواب گذاشتند.

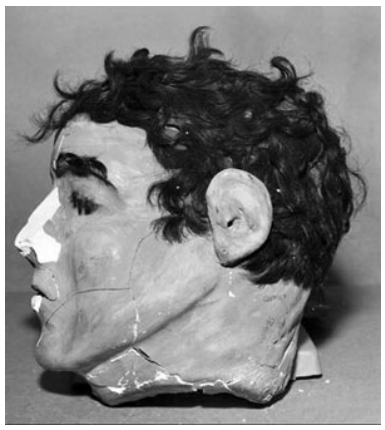

ماکتی که زندانیان بجای خود گذاشتند

ارواح زندان آلکاتراز

در این زندان بسیاری از زندانیان در نتیجه روش های خشن ماموران زندان کشته شدند و بسیاری نیز بر اثر فشار شرایط روحی و روانی و ترسناک این زندان که به آن صخره نیز می گفتند، دیوانه شدند. اکنون اعتقاد بر این است روح بسیاری از زندانیانی که در این زندان به گونه ای دلخراش جان خود را از دست دادند در این زندان سرگردان است.

قایقی که فراریان با آن جزیره را ترک کردند

در سال ۱۹۴۶ فرار سه جنایتکار خطرناک از این زندان ناکام ماند و آنها در یک درگیری خونین در زندان با شلیک گلوله و انفجار بمب کشته شدند. اکنـون گفته می شود در آن بخش از زندان، هر روز سر ساعت مشخصی دربها بسته می شوند.
زیرا خیلـــی از توریست ها و نگهبانان شب زندان ادعا کرده اند که در ساعت هایی از شب صـــدای فـریاد، جیـغ و حتی صدای شلیـــک گلوله و انفجـــار را در این مکـــان می شنوند. برخی از نگهبانان شب نیز گفته اند که صدای دویدن و راه رفتن و صحبت را از طبقات بالا در آن ساعت ها می شنوند و به تصور این که بازدیدکنندگان خود را در این سلول ها مخفی کرده اند تا بتوانند شب را در این جزیره باشند جست و جو می کنند اما هیچ گاه فرد یا عاملی را برای ایجاد این صداهای عجیب پیدا نمی کنند.
سلول شماره D14 نیز یکی از سلول های عجیب و مرموز در این زندان است.
این سلول همیشه بر خلاف دیگر سلول ها هوای بسیار سردی داشت و حس عجیبی هنگام ورود به این سلول به همه دست می داد. بعد ها از قول برخی از نگهبانان و زندانیان این زندان نقل شد، هنگامی که این زندان فعالیت داشت نیز در این سلـول که به حفره معروف بود، چنین فضا و جو عجیبی حاکم بود. ظاهرا در این سلول اتفاقات عجیبی افتاده است. در سال 1945 زندانی ای که برای گذراندن حبس انفرادی به این سلول منتقل شد، درست پس از قفل کردن در شروع به داد و فریاد کرد و از هیولایی سخن می گفت که چشمان قرمز و براقی دارد. پس از مدتی ناگهان این صدا قطع شد. روز بعد زمانی که نگهبانان در زندان را باز می کنند با جسد این زندانی روبرو می شوند که جای دست ها بر خرخره اش باقی مانده است. نتایج کالبد شکافی نشان داد که این جای دست جای دست خود زندانی نیست. روز بعد نیز زندانی دیگری درست به همان شیوه زندانی سلول D14 کشته شد. نگهبانانی که بالای سر جسد رسیدند او را در حالی دیدند که با خشم و درد به آنها زل زده است.

موقعیت جغرافیائی

جزیره آلکاتراز در مرکز خلیج سانفرانسیسکو در کالیفرنیا واقع شده است و تا سال‌ها پیش به عنوان یک محدوده نظامی شناخته شده بود و پس از آن نیز امن‌ترین زندان در جهان به شمار می‌رفت.
اما امروزه این جزیره با نظارت آژانس پارک‌های ملی آمریکا، به مکانی تاریخی تبدیل شده و به عنوان بخشی از جاذبه‌های توریستی این ایالت در معرض دید همگان قرار دارد. بازدیدکنندگان می‌توانند با استفاده از قایق به این جزیره که در لیست مکان‌های تاریخی ملی قرار دارد، سفر کنند و از آن دیدن کنند.

تاریخچه زندان

آلکاتراز در سال ۱۸۵۰ به عنوان تاسیسات نظامی بنا شد و پس از آن تا سال ۱۹۳۳ بعنوان یک زندان نظامی کاربری داشت. در ماه اوت سال۱۹۴۳ به زندان فدرال تبدیل شد و ۲۹ سال مقر جنایتکاران حرفه‌ای از جمله آل کاپون، رابرت فرانکلین استرود(که به پرنده باز آلکاترازمشهور بود) و آلوین کارپیس که با سابقه‌ترین زندانی آلکاتراز به شمار می‌رفت، بود.
این جزیره به علاوه، محل سکونت کارکنان زندان و خانواده‌هایشان نیز به شمار می‌رفت و امروزه همه ساله با حضور ساکنان جزیره در دومین هفته ماه اوت جشن سالگرد افتتاح زندان آلکاتراز برگزار می‌شود.

وزارت راه و شهرسازی
مرکز تحقیقات راه ، مسکن و شهرسازی
انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران
انجمن دارندگان نشان استاندارد ایران
IECS. انجمن بهینه سازی مصرف انرژی ایران

نمای داخل زندان

در ۲۱ ماه مارس سال ۱۹۶۳، به دستور" رابرت اف کندی "، این تبعیدگاه که حدود ۲۵۰ زندانی در آن اقامت داشتند برای همیشه تعطیل شد.
این اقدام علت‌های مختلفی داشت، از جمله سنگین بودن هزینه اداره آن نسبت به دیگر زندان‌ها و آلوده کردن آب خلیج سانفرانسیسکو بر اثر فاضلاب آن؛ علاوه بر این مسلم بود که ساختن یک زندان معمولی جدید که در خشکی قرار داشته باشد، آسان‌تر از پرداخت هزینه‌های سرسام آور آلکاتراز بود.

رابرت فرانکلین استرود

آل کاپون

آلوین کارپیس

تهیه و تنظیم : شاهرخ شاهرخی

بسم الله الرحمن الرحیم

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی
مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی

شماره: ۲۱۵۰-۱
تاریخ اعتبار: ۱۳۹۴/۱۱/۱۱
دوره اعتبار: اول

گواهینامه فنی

به استناد بند ۲ ماده دوم اساسنامه مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، بر اساس نتایج آزمایش‌ها و بررسی‌های انجام شده، گزارش فنی پیوست که جزء لاینفک این مدرک می‌باشد، محصول دریچه های دیواری دو طرفه توزیع هوا، تولید **گروه صنعتی شاهرخی** با نام تجاری شاهرخی، به نشانی کارخانه: تهران، خیابان دماوند، بالاتر از چهارراه تهرانپارس، بین بانک ملی و پاسارگاد، پلاک۱۹۳، با ضوابط فنی مورد قبول این مرکز انطباق دارد و با رعایت دستورالعمل اجرایی مربوطه، به منظوراستفاده در تاسیسات مکانیکی و تهویه ساختمان مناسب است. لذا این گواهینامه فنی از تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۱ به مدت یک سال به شرکت گروه صنعتی شاهرخی برای بهره برداری قانونی اعطاء می شود.

محمد شکرچی زاده

رئیس مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی

اعتبار این گواهینامه منوط به وجود نام و مشخصات شرکت و محصول تولیدی در فهرست دارندگان گواهینامه فنی به نشانی www.bhrc.ac.ir است.
این گواهینامه بدون مهر برجسته مرکز فاقد ارزش است و در هرصورت رافع مسئولیت‌های حقوقی دارنده آن نیست.

تمدید گواهی نامه فنی برای دومین سال متوالی از سوی مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن بر اساس نتایج آزمایش ها و بررسی های انجام شده در بهمن ماه انجام شد.

گروه صنعتی شاهرخی اولین و تنها دارنده گواهی نامه فنی از سوی مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن درایران

اطلاعیه انجمن صنعت تاسیسات

به لحاظ اینکه تشابه اسمی دو تولید کننده عضو انجمن بعضاً موجب اشتباه خریداران دریچه و دمپر شده و مشکلاتی را برای این کارخانجات که هر دو از بهترین تولید کنندگان دریچه و دمپر در کشور می باشند در پی داشته است. بدینوسیله توجه خریداران محترم را به مشخصات این دو شرکت جلب می‌نماید:
برحسب الفبا :

گروه صنعتی شاهرخی

تاریخ تاسیس : ۱۳۲۹
علامت تجاری : **به شماره ثبت ۲۹۳۶۷ تاریخ ثبت:۱۰-۲- ۱۳۴۶**
آدرس : تهران – خیابان دماوند – بعد از چهار راه تهرانپارس- شماره ۱۹۳. تلفن : ۷۷۷۰۳۳۸۸ - ۷۳۱۲

موسسه فنی شاهرخی

تاریخ تاسیس : ۱۳۶۰
علامت تجاری : **به شماره ثبت ۲۱۸۷۹**
آدرس : تهران-فلکه اول تهرانپارس-خیابان ۱۴۲ غربی-روبه روی پزشکی قانونی-پلاک ۱۶۰. تلفن : ۷۷۸۶۲۷۰۰

با اسکن کردن دیتا ماتریکس مورد نظر بر روی موبایل خود به تمامی فصل نامه های گروه صنعتی شاهرخی در سایت www.shahrokhimfg.com دسترسی پیدا کنید.

لطفا با موبایل اسکن فرمایید

Nafis Graphic & Printing House
Tel:88985231 - 09125770071

وزارت راه و شهرسازی
مرکز تحقیقات راه ، مسکن و شهرسازی
انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران
انجمن دارندگان نشان استاندارد ایران
انجمن بهینه سازی مصرف انرژی ایران